



# انترناسیونال

## ۱۳۴

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۸ فروردین ۱۳۸۵، ۷ آوریل ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

جدال بر سر نامگذاری سال نو روز سیزده بدر، روز طبیعت

امید رهایی از ایران  
صفحه ۷

کیوان جاوید  
صفحه ۷

کنفرانسی مهم

در نقد مذهب  
صفحه ۶

فرانسه آینده اروپا

را ترسیم می کند  
صفحه ۸



## به استقبال اول مه برویم جشن اول مه را هر چه گسترده تر برگزار کنیم! ۵ سؤال از شهلا دانشفر، دبیر کمیته سازمانده

رساتر از هر وقت فریاد زنده باد آزادی زن بلند شد، میتوان دید. این را در ۱۶ آذر و قطعنامه ۲۰ آذر در دانشگاه که تنها آلترناتیو برای جامعه را رجوع به انسان و انسانیت دانست و علیه سرمایه و تبعیض و نابرابری قد علم کرد، میتوان مشاهده کرد. این را در مبارزات گسترده جوانان علیه قوانین

اول مه میرویم که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد و این اعتراضات هر روز شکل رادیکالتری بخود میگرد و میتوان هژمونی چپ را در راس این اعتراضات دید که دارد هر روز قویتر میشود. این را در هشت مارس و برگزاری گسترده تر آن نسبت به سال های گذشته و شعارها و قطعنامه های رادیکال که در آن

نتروناسیونال: شرایط سیاسی ایران با شتاب متحول میشود. امسال در چه شرایط سیاسی مشخصی مخصوصا از نقطه نظر موقعیت جنبش کارگری به اول مه نزدیک میشویم؟  
شهلا دانشفر: اول مه امسال در شرایط کاملا جدید و متفاوتی برگزار میشود. ما در شرایطی به استقبال

## لحظات سرنوشت ساز سیاسی سناریوی خونین قوم پرستان



محسن ابراهیمی

جامعه ایران در لحظات بسیار سرنوشت سازی بسر میبرد. تحولات آتی جامعه ایران بنیادی ترین مسائل جهان امروز از جمله موقعیت نظم نوین جهانی، سرنوشت اسلام سیاسی و مهمتر از همه سرنوشت مردم ایران و منطقه و به درجاتی مردم جهان را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

یک لحظه تصور کنید حکومت اسلامی با قیام و انقلاب مردم سرنگون شده است؛ شوراها مردمی جایگزین حکومت اسلامی شده است، در این شوراها طرفداران حزب کمونیست کارگری دست بالا پیدا کرده اند و به این معنا انقلاب ایران رنگ برنامه حزب کمونیست کارگری را به خود گرفته است. معنای اجتماعی این اتفاق از جمله اینهاست: همه حق دارند در رفاه زندگی کنند. همه به صرف انسان بودنشان برابری دارند. مذهب به طور کامل از زندگی سیاسی و آموزشی مردم بیرون ریخته شده است و اجازه کوچکترین مزاحمت در زندگی خصوصی مردم را ندارد. هیچ فردی را به علت اعتقاد و جنسیت و گرایش جنسی و انتسابش به ملیت و قومیت و نژاد و مذهب معینی نمیتوان از کوچکترین حقی محروم

صفحه ۲



## "داستان آفرینش را در مدارس تدریس نکنید"

سهیلا شریفی

استدلال می کند که اگر داستان آفرینش بعنوان يك تئوری و بعنوان یکی از آلترناتیوهای تئوریک در مقابل تئوریهای دیگر تدریس شود، بیم آن می رود که اهمیت و تقدس خود را از دست بدهد و در نتیجه نه تنها کمکی به گسترش مذهب و مسیح و انجیل نکند بلکه برعکس

انگلیس از آموزش و پرورش این کشور می خواهد که داستان آفرینش را بعنوان یکی از دروس اجباری مدرسه ها از لیست خارج کنند و دیگر آنرا همانند تئوری تکامل داروین و دیگر تئوریهای علمی درس ندهند. آقای روان ویلیامز اسقف اعظم کلیسای انگلیس در دفاع از این خواسته خود

چند وقت پیش اسقف اعظم کلیسای انگلیس با گفتن جمله بالا به صفحه اول روزنامه های کشور راه پیدا کرد. روزنامه ها نوشتند که اسقف اعظم در برابر انجیل از علم دفاع می کند، با تعجب و با ابروهای بالا رفته اعلام کردند که اسقف اعظم جانب علم را گرفته است. شوخی نیست بالاترین مقام مذهبی کشور

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ لحظات سرنوشت ساز سیاسی

جامعه سوسیالیستی در ایران، جنبش اسلامی بزرگترین ضربه را در سطح جهان خواهد خورد. چپ و کمونیسم اعتبار بین المللی پیدا خواهد کرد. ایران، به جای میدان تقابل خوین دو قطب تروریسم بین المللی، به الهام بخش تلاش و مبارزه مردم منطقه برای یک زندگی انسانی تبدیل خواهد شد.

اما مسئله اینست که در مقابل این آرمان انسانی موانع و سد های مهمی قرار دارند. باید برای رسیدن به این جامعه انسانی این موانع را از پیش پا برداریم و این سدها را بشکنیم. هر قدر مردم در قبال این موانع و سدها آگاه باشند، هر قدر مردم بتوانند این سدها را از پیش رویشان بردارند همانقدر قادر خواهند شد لحظه رسیدن به چنین جامعه انسانی را نزدیکتر کنند.

علاوه بر خود جمهوری اسلامی سرمایه، یکی از مهمترین موانع در مقابل تلاش مردم ایران برای استقرار یک جامعه انسانی، تلاشهای فرقه های قوم پرست است. در دنیای بعد از پایان جنگ سرد بسر میبریم. غرب به رهبری سرمایه داری آمریکا تلاش میکند نظم نوین ارتجاعی را بر سرنوشت مردم جهان حاکم کند. در پروژه نظم نوین، مردم جهان باید به قربانیان دست بسته سرمایه داری بازار آزاد تبدیل شوند. قبول کنند که تاریخ به پایان رسیده است. قبول کنند که تلاش برای زندگی انسانی عبث است و تنها یک انتخاب دارند: سرمایه داری عنان گسیخته بازار آزاد. یک بربریت مطلق. نظم نوین این پایان تاریخ را برای خاورمیانه هم معنا کرده است: استقرار حکومت های مذهبی - قومی تحت نام دموکراسی. عراق اولین آزمایشگاه استقرار دموکراسی نظم نوین بود که جنگلی خوین از توحش اسلامی - قومی بر جای گذاشته است. ایران قرار است به دومین آزمایشگاه بربریت نظم نوین تبدیل شود. فرقه ها و شخصیت های مرتجع مذهبی و قومی ابزار محلی و بومی استقرار چنین نظمی هستند. در حال حاضر سازمان های اسلامی و قوم پرست در عراق این نقش را به خوبی ایفا میکنند. همزمان با "بحران اتمی" ایران، همزمان ایرانی این

سازمان های مرتجع در ایران هم فعال شده اند که همان نقش را در ایران بازی کنند. از سر و کول هم بالا میروند تا به آمریکا ثابت کنند که بهترین کاندید سناریوی عراقیزه کردن ایران هستند. بهترین کاندید برای ایفای نقشی مشابه مجاهدین اسلامی در افغانستان و حزب دموکرات و اتحادیه میهنی در عراق هستند. سازمان های باند سیاهی رجوی و عبدالله مهتدی و دهها فرقه بی نام و نشان روز شماری میکنند تا زیر آتش بمباران پنتاگون نقش مزدوران زمینی را ایفا کنند تا بتوانند به پاداش مزدوریشان، در گوشه ای از قدرت سهیم شوند.

ناسیونالیسم آریایی و کرد مدتهاست برای چنین سناریویی فعال هستند. قوم پرستان ترک و آذری که ظاهرا دیرتر به میدان آمده اند برای اینکه از فرقه های قوم پرست آریایی و کرد عقب نمانند به تحرك کم سابقه ای دست زده اند. تلویزیون "گوناز" و سایت ایران امروز و دهها سایت دیگر به محل اشاعه نفرت پان ترکیست ها تبدیل شده است. "روشنفکران" و رهبران خود گمارده آذری در حال پراکندن شنیع ترین نفرت قومی هستند.

فقط کافی است لحظاتی کوتاه در دنیای جنون آمیز این سلحشوران قوم پرست سیر کنیم تا به عمق فاجعه ای که در صورت میداندار شدنشان میتواند بوجود بیآورد پی ببریم. از اخیرترین نفرت پراکنیهایشان فقط چند نمونه را مستقیما نقل میکنم:

از نامه سرگشاده شورای مرکزی جنبش فدرال-دموکرات آذربایجان به سازمان های کرد ایرانی:

"ادعای اینکه ارومیه و ماکو و ... جزو سرزمین کردستان محسوب میشوند، به طور جدی در دوستی و همکاری احزاب آذربایجانی و کردی خلل ایجاد میکند. اظهارات غیر مسئولانه پاره ای از افراد، از جمله مصاحبه آقای رامبد لطفی پوری با نشریه کردستان، که با گشاده دستی تمام و با مصاحبه ای کوتاه، شهرهای نرده، سلماس و قوشاچای (میان دو آب) و ارومیه را ضمیمه کردستان کرده اند و با کرکوک مقایسه کرده و ترکها را

نیز مهمانان آن شهرها خوانده اند میتواند به تنش های ناخواسته در منطقه دامن زده و ..."

"... تقسیمات کشوری موجود با حدود مناطق ملی - زبانی کشور همخوانی ندارد. در تعیین مناطق ملی و حدود سرزمین های تاریخی مسکن ملل و گروه های اتنیک حافظه تاریخی ملل و واقعیت های اجتماعی - انسانی و زبانی اصل است. وقتی ما در باره آذربایجان اتنیک در ایران صحبت میکنیم مقصود ما سرزمینی در محدوده جغرافیایی در شمال غرب کشور ایران است که از نظر تاریخی مسکن اقوام تورک بوده و اکنون نیز اکثریت جمعیت آنرا تورکها تشکیل میدهند. کردستان اتنیک نیز به نوبه خود در غرب ایران قرار دارد. ارومیه و ماکو و خوی و سلماس و ... جزو لاینفک آذربایجان هستند...."

از نوشته یک قوم پرست ترک به نام ماشاالله رزمی در سایت ایران امروز:

"تا به حال آن عده از روشنفکران فارس که در باره مساله ملی اظهار نظر کرده اند اغلب استقرار دموکراسی در ایران را مقدم بر حل مساله ملی دانستند که این امر خود بیانگر عدم شناخت آنها از علل پیدایش مساله ملی و رابطه آن با دموکراسی است.... در این جنبش (جنبش ملی آذربایجان) مخالفان جمهوری اسلامی تنها نیستند بلکه بخشی از آذری هائی هم که در درون سیستم حکومتی هستند و از تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی گرفته تا بعضی از روحانیون و نمایندگان مجلس خبرگان و عده ای از شهرداران و فرمانداران حامی خواسته های ملی آذربایجان هستند...."

"انحلال اتحاد شوروی و بهم خوردن بلوک سوسیالیستی علاوه بر وجود آوردن کشورهای جدید ترک زبان که از نظر فرهنگی برای آذری ها پشتیبان ایجاد کرد دارای درس های گرانبهای دیگری نیز بود. از آن جمله نشان داد که میتوان قدرتمندترین امپراتوری ها را نیز به کشورهای مستقل تبدیل کرد ... شکست ایدئولوژیک انترناسیونالیسم بود که در سراسر جهان گرایش به ناسیونالیسم را تقویت نمود و در مورد آذربایجان اغلب مبارزان

سوسیالیست را وارد صف مبارزان ملی کرده و قدرت سازماندهی آنرا چند برابر ساخت ..."

"جنبش ملی به گذشته و مبارزات تاریخی آذربایجانی ها افتخار میکند یعنی آن دوران های طلایی که ملت آذربایجان قدرتمند بود و بر تمام ایران فرمانروائی میکرد ، گذشته ای که نه تنها هویت میدهد...."

همینجا محض اطلاع باید گفت که این "مبارزان سوسیالیست" که افتخار پیوستن به صف قوم پرستان نصیبشان شده است معمولا بازمانده های حزب توده و فعالین سازمانهایی مثل اکثریت هستند که سرمایه داری دولتی شوروی پیش از فروپاشی قبله گاهشان بود. برای اینها سرمایه داری دولتی، سوسیالیسم محسوب میشد و ناسیونالیسم روسی، انترناسیونالیسم.

از پاسخ یک ناسیونالیست آریایی به نام امیر حسین خنجی به ماشاالله رزمی در سایت ایران امروز:

"تا اوائل قرن پنجم هجری که دسته ای از اوغوزها وارد آذربایجان شدند هیچ عنصر ترک در آذربایجان و اران و شروان نمی زیسته است و جمعیت سراسر این سرزمینها را مردم بومی از نوادگان ایرانیان باستانی و همچنین عرب های ایرانی شده تشکیل میداده اند... پرسش آن است که مگر همه گزارش های تاریخی نمیگویند که سرزمین های همیشه ایرانی اران و شروان که بعدها نام آذربایجان گرفت در جنگ توسط روسها اشغال شده از ایران جدا کرده شد؟ مگر از جنگ های ایران و روس و قرارداد الحاق این بخش از خاک ایران هیچ ایرانی ای خبر ندارد؟ تاریخ میداند که روسها بخشهایی از خاک ایران را اشغال کردند، و همین بخشها اکنون آزاد شده تبدیل به کشور شده اند. آنچه اکنون جمهوری آذربایجان نامیده میشود هزارها سال ملک مشاع همه ی ایرانی ها و بخشی از کشور ایران بوده که در اثر نابخردیهای ترکان قاجاری به اشغال روسها درآمد. سپس به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی، این سرزمین به حال خود واگذاشته شد و کشوری نوین در جهان پدید آمد که هیچگاه در تاریخ جهان وجود نداشته است. پس "استقلال مجدد" در کار

نیست بلکه پدید آمدن کشور نوین متشکل از سرزمین های اشغال شده ایرانی برصحنه ی تاریخ و جغرافیا پس از فروپاشی شوروی است... دفاع از تمامیت ارضی ایران وظیفه فرد فرد ملت ایران است، و به زبان فقهی "واجب عینی" است....

این فقط گوشه ای از دنیای تعفن بار قوم پرستان است. میبینید که در دنیای ضد انسانی اینها نه از حقوق انسان، نه از حقوق کارگر، نه از حقوق زنان و جوانان حتی اثری هم نیست. به جای حقوق انسان، به جای هویت انسانی و آزوها و امیال انسانی، اقوام و ملت ها و سرزمین ها و مرزها و حافظه تاریخی ملل و دورانهای طلایی گذشته و ... قرار دارند و جهاد در راه بازگرداندن این "دورانهای طلایی" هم "واجب عینی" است. چه کسی نمیداند که در دنیای بعد از رواندا و یوگسلاوی و عراق، این عبارات اسامی رمز سربریدنها و نسل کشیها و گورستانهای دسته جمعی است. کاخ سفید سفره لجن ۷۵ میلیون دلاری را برای صاحبان این ایده ها باز کرده است.

آیا جای تردیدی هست که اگر یک لحظه صاحبان این تصورات مالیخولیایی میداندار شوند جامعه را به صحنه آدم کشی متقابل اوپاش قوم پرست تبدیل میکنند؟ اینها نیروهای باند سیاهی هستند که به درجه ای که به نیرو تبدیل شوند همانقدر در مقابل مبارزه مردم برای استقرار یک جامعه انسانی روی خرابه های جمهوری اسلامی مانع ایجاد خواهند کرد. وجود اینها برای مبارزه مردم به خاطر رهایی سم است. و درست به همین دلیل مردم ایران برای استقرار جامعه آزاد و انسانی نباید اجازه دهند این سموم سیاسی در مبارزه شان علیه جمهوری اسلامی خلل وارد کند.

مردم ایران، کارگران و زنان و جوانانی که عزم کرده اند نکبت جمهوری اسلامی را بزیر بکشند، در هیچ گوشه ای از دنیای نفرت انگیز این فرقه ها سهیم نیستند. اگر قوم پرستان آذری متحدین خود را در درون سیستم حکومتی" و در میان "نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و شهرداران و فرمانداران" جستجو میکنند، کارگران واحد متحدین خود را در میان کارگران آذربایجان و

## از صفحه ۱ به استقبال اول مه برویم

ارتجاعی اسلامی و شعار آزادی برابری حق مسلم ماست و در هم شکستن دیوارهای آپارتاید جنسی و فریاد نه به حجاب اجباری در مناسبت های مختلف میتوان دید و بطور مشخص این را در جنبش اعتراضی هر روزه کارگران و بویژه در مبارزات کارگران شرکت واحد که توجه کل جامعه و جهان را به خود معطوف کرد میتوان دید.

همچنین ما در شرایطی به استقبال اول مه میرویم که یک سال پر جنب و جوش اعتراضی کارگری را پشت سر گذاشته ایم. مبارزاتی که نقطه اوج آن مبارزات کارگران شرکت واحد بود و ۱۵ فوریه روز همبستگی بین المللی کارگری با کارگران ایران را در پی داشت و بطور واقعی رنگ و روی جدیدی به تحرکات کارگران در ایران داد. از جمله تاثیرات آنرا در مبارزات موفق کارگران ایران صدرا، ایران خودرو و پتروشیمی کرمانشاه و تجمعات اعتراضی ای که در همین مدت در شهرهای مختلف بر پا میشود و اعتراضات همزمان کارگران در قزوین و در دیگر شهرها می بینیم. مبارزاتی که در آن خواستهای سراسری و تعرضی چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، حق تعیین میزان دستمزد توسط خود کارگران و خواست حداقل دستمزد ۵۰۰ هزار تومان، اعتراض به سانسور و عدم انعکاس اخبار اعتراضات کارگری، موضوعات اصلی اعتراض و رودرویی کارگران با دولت و کارفرمایان بوده است و بویژه بعد از مبارزات کارگران شرکت واحد، این مبارزات هر روز بیشتر حول چتر خواستهای سراسری سمت و سو پیدا کرده و بیان و شکل تعرضی تری به خود گرفته است.

و در کل میتوان گفت هم اکنون جنب و جوش اعتراضی در محیط های کارگری بیش از هر وقت بالا گرفته و این اعتراضات هر روز گسترده تر میشود و دارد دامنه آن به مراکز بزرگ و اصلی کارگری کشیده میشود و توجه کل جامعه و توجه سازمانهای بین المللی کارگری بیش از هر وقت متوجه مبارزات کارگران است و کارگران در پیشاپیش جنبش انقلابی در جامعه دارند به جلو میروند و هر روز بیشتر

خواستهای سراسری کل جامعه را در مبارزاتشان نمایندگی میکنند. طبعاً همه این اتفاقات مهر خود را بر اول مه امسال خواهد زد و در شرایط بسیار مساعدی برای برپایی یک اول ماه مه با شکوه و گسترده قرار داریم. اول مه امسال میتواند فرصتی باشد که مبارزات گسترده و وسیع کارگری، زیر چتر سراسری تری متحد شود.

از سوی دیگر اتفاق مهم دیگری که امسال بر فضای سیاسی ایران و فضایی که در آن به استقبال اول مه میرویم تاثیر گذاشته است، بالا گرفتن بحران اتمی و رجز خوانی های آمریکا و غرب از یکسو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر و بوجود آمدن فضای ملتتهب جنگی است. جمهوری اسلامی میکوشد تا این موضوع را بهانه ای برای به حاشیه بردن اعتراضات موجود در جامعه و عقب راندن آنها تبدیل کند. این موضوع خود باعث شده که افکار عمومی بین المللی متوجه خطر حمله آمریکا به ایران و اوضاع سیاسی ایران باشد. بویژه اعتراضات کارگران شرکت واحد بیش از هر وقت توجه سازمانهای بین المللی کارگری را بخود جلب کرده است. اینها همه مولفه هایست که جایگاه سیاسی بیشتری به اول مه امسال میدهد.

بدون شك قدرتمندی کارگران در روز اول مه میتواند فضا را عوض کند. میتواند هر دوطرف این کشاکش را متوجه کند که کارگران و مردم ایران در برابر آنها می ایستند و با مبارزه ای گسترده فضا را به سمت دیگری سوق خواهند داد. بطور واقعی اول مه میتواند فرصتی مناسب برای جلب افکار بشریت متمدن جهان به حمایت از مبارزات برحق مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و توقف فوری تهدیدات جنگی آمریکا و عقب راندن آن باشد. به عبارت دیگر اول مه امسال میتواند روزی تاریخ ساز و مهم در جنبش انقلابی مردم برای سرنوینی جمهوری اسلامی و متحد شدن صف کارگران و بشریت متمدن در مقابل قطب های تروریست جهانی در برابر آمریکا و اسلام سیاسی و در برابر جمهوری اسلامی باشد.

باید با يك اول مه با شکوه پاسخ جمهوری اسلامی و غرب و آمریکا را داد و همه را سر جای خود نشاند. باید از هم اکنون فشرده برای آن کار کنیم. اول مه امسال باید روز قدرتمندی کارگران باشد.

**انترناسیونال: با توجه به نکاتی که مطرح کردید و با توجه به موقعیت بسیار متفاوت تر جنبش کارگری نسبت به سالهای قبل، رهبران و فعالین کارگری امسال با چه تصویری از اول مه باید به سراغ این روز مهم تاریخی بروند؟**

**شهلا دانشفرو:** روز اول مه تاریخاً روز اعتراض کارگر علیه سرمایه و اعلام کیفرخواست او علیه ستم و استثمار است. روز قدرتمندی طبقه کارگر در برابر دولت و صاحبان سرمایه است. در سال یکروز است که به اسم کارگر خوانده شده و در این روز همه توجه ها بسوی کارگران است. در این روز کارگران فرصت می یابند که بیرون بیایند و حرفهایشان را رو به جامعه بزنند. در این روز کارگر بیش از هر وقت به موقعیت و نقش مهم خود در تولید اجتماعی پی میبرد و بویژه خصلت جهانی این روز بیش از بیش کارگر را به قدرت اتحاد و همبستگی اش متوجه میکند. به عبارت دیگر روز اول مه بیش از هر وقت صف بندی طبقاتی در جامعه را مقابل چشم کارگر و کل جامعه قرار میدهد، کارگر بیشتر و بیشتر به موقعیت اجتماعی خود در تولید آگاه و متوجه میشود و خود را در تقابل مستقیم تری با دولت و سرمایه میبیند. همه اینها خصوصیتی به این روز میدهد که کارگر را در موقعیت ویژه ای قرار میدهد. از اینرو ما شاهد بوده ایم که اول مه همواره در بسیاری از کشورها به میدان تقابل کارگران و سرمایه داران تبدیل شده است. همواره کارگران در این روز در سراسر دنیا با اعلام قطعنامه ها و بیانیه هایشان خواستها و مطالبات خود را در مقابل جامعه و دنیا قرار داده و صدای اعتراضشان را بلند کرده اند.

بنابراین به نظر من رهبران کارگری باید بدوا با چنین تصویری و چنین جایگاهی به استقبال اول مه بروند. به عنوان صاحبان اصلی جامعه و بعنوان کسانی که خلق کننده نعمات زندگی هستند، قد علم کنند و رو به جامعه سخن

بگویند. در اول مه ما باید شاهد قدرتمندی بزرگ کارگران بصورت مارش و راهپیمایی کارگران در خیابانها باشیم. باید در اول مه تریبونها از آن کارگران باشد. کارگران نباید اجازه بدهند که چماقدارانی مثل خانه کارگر و شوراهای اسلامی میداندار باشند و به نام کارگر سخن بگویند. باید در این روز هر جا که مراسم دولتی برپا میشود، همان اتفاقی بیفتد، که سال گذشته در استادיום آزادی شاهدش بودیم.

اما نکته مهم اینست که یک چنین روز مهم با چنین ویژگی ای را در متن اوضاع سیاسی امروز بگذارید، در توازن قوای سیاسی امروز و موقعیت بالنده طبقه کارگر در جامعه به آن نگاه کنید و فضای اعتراضی موجود در جنبش کارگری و همه فاکتورهایی که در سوال قبل به آنها اشاره کردم را در نظر بگیرید، آنوقت میتوانید تصور کنید که اول مه امسال میتواند یک اول مه با شکوه و یک اتفاق تاریخی مهم باشد اگر این فرصت را دریابیم. بویژه من قبلاً به فاکتور اوضاع جهانی نیز اشاره کردم. اول مه فرصتی است که کارگران میتوانند بزرگترین همبستگی جهانی را از خواستها و مطالباتشان بدست بیاورند. همانطور که اشاره کردم، جنبش اعتراضی کارگری بیش از هر وقت در صحنه است، سرها همه بطرف کارگران خم شده است. اعتراضات کارگران در ایران در صدر اخبار سازمانهای کارگری بین المللی قرار گرفته است، مبارزات کارگران شرکت واحد و اتفاق بزرگ ۱۵ فوریه روز همبستگی بین المللی کارگری با کارگران ایران بیش از پیش این زمینه را فراهم کرده است، باید از این فرصت سود جست.

نکته مهم مورد تاکید من اینست که در اول مه امسال با توجه به اوضاع داخلی و خارجی ایران، بیش از هر وقت دیگر به اتحاد و همبستگی سراسری کارگری نیاز است و کارگران باید در این روز با بسیج گسترده ترین نیرو یک همبستگی بزرگ را به نمایش بگذارند و با مارش عظیم اول مه خود جواب دندان شکنی به جمهوری اسلامی و سیاست های جنگ طلبانه آمریکا و غرب دهند. در هر حال شرایط خطیر است و

رهبران کارگری و کارگران کمونیست باید قبل از هر چیز خطیر بودن این اوضاع را دریابند. باید نقطه قدرتهای کنونی را دریابند و با اتکا به آن بتوانند به استقبال یک اول مه بزرگ و قدرتمند بروند.

اول مه امسال میتوان بزرگترین نیرو را بسیج کرد. اول مه امسال میتوان مارش بزرگ اول مه را براه انداخت و با پرچم های سرخ خود و با راهپیمایی خود تمام شهر را به حرکت در آورد. رهبران کارگری باید با یک چنین افق و چشم اندازی به استقبال اول مه بروند.

**انترناسیونال: رئوس مطالبات کارگران در اول مه امسال چه ها باید باشند؟**

**شهلا دانشفرو:** روشن است که کارگران خواهان نظامی بدون استثمار، بدون تبعیض و نابرابری و بدون فقر و بیحقوقی هستند. کارگران خواهان جامعه ای آزاد، برابر، انسانی و پر از رفاه و شادی هستند. اینها خواستهایی هستند که طبعاً کارگران با اعلام آنها کیفرخواست خود را علیه سرمایه اعلام میکنند و در قطعنامه های اول مه خود بر این خواستها تاکید خواهند گذاشت. در عین حال در اول مه امسال کارگران بر خواستهای دیگری تاکید میگذارند که به نظر من حمایت و پشتیبانی از خواستها و مطالبات کارگران شرکت واحد باید در صدر مطالبات آنها قرار گیرد. چرا که خواستهای کارگران شرکت واحد، از جمله خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط منصور اسانلو، منصور حیات غیبی و همه زندانیان سیاسی، خاتمه هر گونه تعقیب و آزار فعالین و رهبران کارگری، خواست انحلال فوری شوراهای اسلامی و حق مسلم داشتن سندیکا و تشکل آزاد کارگری، خواست بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی، خواست انعقاد قراردادهای دسته جمعی توسط نمایندگان منتخب کارگران و خواست تعیین میزان حداقل دستمزدها توسط نمایندگان خود کارگران و ۵۰۰ هزار تومان در ماه در قدم اول خواستهای سراسری همه کارگران است. باید از این خواستها با تمام قوا حمایت کرد.

بویژه امروز همه این را میدانند

## از صفحه ۳ به استقبال اول مه برویم

که پیروزی کارگران شرکت واحد پیروزی کل کارگران و کل جامعه است و با توجه به جایگاه این مبارزات در سیر پیشروی جنبش کارگری، حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگران شرکت واحد باید یک بند مهم قطعنامه های کارگران در این روز باشد. بعلاوه خواسته های دیگری چون پرداخت فوری تمامی دستمزدهای پرداخت نشده و جرم محسوب شدن تعویق پرداخت دستمزدها، لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی همه کارگرانی که بطور موقت به کار اشتغال دارند، پایان دادن به اخراجها و پرداخت بیمه بیکاری کافی و حداقل ۵۰۰ هزار تومان در ماه به همه افراد بیکار، لغو سانسور و حق انعکاس اخبار اعتراضات کارگران در رسانه های دولتی، قرار گرفتن بازنشستگان زیر پوشش تامین اجتماعی با حداقل مستمری ۵۰۰ هزار تومان در ماه، از جمله رئوس دیگر خواسته های کارگران است که میتواند خطوط قطعنامه های کارگران در روز اول مه را تشکیل دهد.

**انترناسیونال: هر سال کارگران قطعنامه ها و بیانیه هایی را در تجمعاتشان قرائت میکنند. این قطعنامه ها به نحوی موجز انتظار و موضع کارگران در قبال مسائل جامعه و اوضاع فلاکت‌زنان را منعکس میکنند. در پاسخ به سؤال قبلی چند کلمه در مورد قطعنامه های اول مه اشاره کردید. لطفاً کمی همه جانبه تر توضیح دهید که در قطعنامه های امسال چه جوانبی لازم است مورد تاکید قرار گیرند؟**

**شهلا دانشفرو:** قطعنامه کارگران در اول مه همانطور که قبلاً هم اشاره کردم کیفرخواست کارگران علیه توحش سرمایه داری و همه مشقات آن است. کارگران باید در قطعنامه های اول مه بعنوان صاحبان اصلی جامعه به میدان آیند و رو به جامعه سخن بگویند و عزم خود را برای رهایی از ستم و استثمار و برپایی جهانی آزاد و برابر و انسانی اعلام کنند. قطعنامه های کارگران در اول مه امسال باید بیش از هر وقت چنین رنگ و بویی را داشته باشد. دومین نکته مورد تاکید من

اینست که قطعنامه کارگران امسال باید مهر پیشروی های جنبش کارگری و نقطه قدرتهای آنرا بر خود داشته باشد و کارگران از موضع قدرتمند تری خواسته های خود را اعلام کنند و این خواسته ها پرچم مبارزه کارگران برای مبارزه ای متحد و سراسری باشد.

سومین نکته اینکه قطعنامه کارگران در اول مه امسال باید بیش از هر وقت بر شکل دادن و فراخوان به یک اتحاد و همبستگی کارگری در داخل و در سطح بین المللی تاکید بگذارد. در همین رابطه قطعنامه های اول مه باید مبارزات کارگران شرکت واحد را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد و یک بند مهم قطعنامه های اول مه باید حمایت از مبارزات بخش های مختلف جامعه، معلمان، پرستاران، جوانان، زنان و کل جامعه باشد.

نکته بعدی اینکه در قطعنامه های اول مه امسال، کارگران باید پیام قدردانی خود را به گوش تمام سازمانها و انسانهای آزادیخواهی که روز ۱۵ فوریه در همبستگی با کارگران ایران اعلام حمایت کردند و روزی تاریخی و با شکوه را در جنبش کارگری جهانی خلق کردند اعلام کنند و بر همبستگی بین المللی کارگری از مبارزاتشان بعنوان یک حلقه کلیدی در بهم زدن فضای ملتهب جنگی تاکید بگذارند و دنیا را به حمایت از مبارزات برحق خود در شرایط خطیر کنونی فرا بخوانند. کارگران باید در قطعنامه هایشان در اول مه به عنوان صاحبان اصلی جامعه سخن بگویند و اعلام کنند که اجازه نخواهند داد که سرنوشت جامعه از بالای سر کارگران و مردم رقم بخورد. و بالاخره اینکه اول مه امسال باید ما شاهد قطعنامه هایی باشیم که ادامه قطعنامه ۲۰ آذر، ادامه مبارزات کارگران شرکت واحد و به صف شدن کل کارگران و کل جامعه حول خواسته ها و مطالبات سراسری خود باشد.

**انترناسیونال:** برای هر چه قدرتمند برگزار کردن بزرگداشت اول مه چه اقداماتی را از همین اکنون باید در دستور گذاشت؟  
**شهلا دانشفرو:** فرصت زیادی به اول مه

مانده است. کمتر از یکماه وقت داریم و باید از هم اکنون فشرده تر کار کنیم. نقشه کارمان روشن باشد. تقسیم کار لازم را صورت دهیم و به تدارک برگزاری هر چه با شکوهتر اول مه برویم.

اول مه سال گذشته بدرجه زیادی سنت های رایج در درون جنبش کارگری را تغییر داد و به جلو برد. علیرغم مخالفت کردنها، مجوز ندادن ها کارگران مراسم مستقل خود را برگزار کردند، سرود انترناسیونال را پخش کردند و برای اولین بار ما شاهد بودیم که رهبران کارگری با اسم و رسم خود به پشت تریبونها رفتند و از سوسیالیسم و علیه سرمایه سخن گفتند. طبعاً این اتفاق تاثیر خود را بر اول مه امسال نیز میگذازد و امسال دیگر کارگران منتظر مجوز دادن ها نخواهند نشست و از همین اکنون میثونیم که همه جا صحبت از برپایی با شکوه این روز است. برای برپایی با شکوه این روز من به رئوس اقدامات زیر تاکید دارم:

۱- مراسم مستقل خود را سازمان دهیم و مارش باشکوه اول مه و مسیر راهپیمایی خود در این روز را تدارک ببینیم. همانطور که قبلاً اشاره کردم زمینه برای برپایی مراسم مستقل کارگری و تبدیل اجتماعات به مارش اول مه و راهپیمایی در این روز فراهم تر از هر وقت است. از هم اکنون محل برپایی مراسم و تجمعات اول مه و مسیر های راهپیمایی خود را روشن و برایش برنامه ریزی کنیم.

۲- یک اول مه گسترده و توده ای را سازمان دهیم.

با کارخانجات و محلهای مختلف کار تماس و ارتباط برقرار کنیم و قرار و مدارهای لازم را برای این روز بگذاریم. در اول مه امسال باید آنچنان تدارکی دید که در همه شهرها کارخانجات مختلف با پلاکاردهای مشخص خود و با نام کارخانه به مارش اول مه پیوندند و شاهد راهپیمایی و تجمعات اعتراضی با شکوه در این روز باشیم. روز اول مه نه فقط روز کارگران بلکه روز همه کسانی است که میخواهند استثمار نباشد، میخواهند ستم و نابرابری نباشد و برای آزادی و برابری مبارزه میکنند. باید از سوی کمیته های برگزاری اول مه خطاب به کل

جامعه فراخوان داده شود تا وسیعاً در تجمعات اول مه شرکت کنند.

۳- خانواده های کارگری را در تدارک و برپایی اول مه وسیعاً دخیل کنیم.

یک بخش مهم طبقه کارگر خانواده های کارگری است. باید برای برپایی یک اول ماه مه گسترده، خانواده های کارگری را وسیعاً دخیل کرد. آنها را به شرکت و دخالت فعال در این مراسم فراخواند. به کمک آنان بخش های هرچه وسیعتری از جامعه را به شرکت در مراسم اول مه بسیج کرد. باید آنها را به سخنرانی در مراسم این روز تشویق کرد و اسامی کسانی که آماده سخنرانی و بحث در این روز هستند را در لیست گذاشت. اول مه را باید وسیعاً جشن گرفت.

۴- باید در قبال مراسم دولتی آماده و هوشیار بود.

تجربه سال گذشته تهران در استادبوم آزادی تجربه خوبیست. (هو کردن مقامات رژیم و خانه کارگر در تجمعات، شعار دادن و مختل کردن برنامه های دولتی، تلاش برای طرح قطعنامه های آلترناتیو همه و همه کارهایی است که از هم اکنون باید به فکرش بود و تدارکش را دید. بطور مثال اگر مراسم رژیم در بیرون باشد، باید خود را با شعارهایمان، با اطلاعیه هایمان، با پلاکاردهایمان آماده کنیم و با حضورمان و شعارهایمان آنرا مختل کنیم. کاری کنیم که تجمع آنها بهم بخورد همانطور که در سال گذشته سالن استادبوم ۱۲۰۰ نفره خالی شد. نگذاریم در این روز مزدوران رژیم به اسم کارگر حرف بزنند.

۵- روز اول مه باید روز به جلوی صحنه آمدن رهبران کارگری باشد.

در اول مه سال گذشته قدمهای بزرگی در این زمینه به جلو برداشتیم. رهبران کارگری با اسم و رسم خود به پشت تریبون ها رفتند و از سوسیالیسم و علیه سرمایه سخن گفتند. امسال نیز باید خود را برای بدست گرفتن تریبونها آماده کنیم. از هم اکنون خود را برای سخنرانی کردن و ابراز وجود علنی به عنوان یک فعال و رهبر کارگری آماده کنیم. تریبونها باید مال ما باشد.

۶- کمیته های اول مه را اگر تا کنون تشکیل نداده ایم، حتماً تشکیل دهیم.

برای سازماندهی همه کارها

باید از هم اکنون در تمامی شهرها کمیته های اول مه را تشکیل دهیم. کمیته هایی که از رهبران کارگران و فعالین کارگری در کارخانجات و محلهای مختلف کار شکل میگیرد و هماهنگ کننده برگزاری این روز در هر شهر و هر منطقه است. طبعاً اکنون در بسیاری جاها این کمیته ها شکل گرفته است، اما اگر جایی هست که هنوز این کمیته ها شکل نگرفته است باید فوراً دست به کار شد. بسیج نیرو برای اول مه و دخیل کردن مجامع عمومی کارگری برای تدارک اول مه، تعیین شعارها و قطعنامه های اول مه و طرح آن در مجمع عمومی کارگران و متحد کردن کارگران حول خواسته ها و شعارهایی که قرار است در اول مه طرح شود، روشن کردن محل تجمعات و مسیر های راهپیمایی و تدارک برنامه ویژه اول مه، تمهیدات لازم برای مقابله با مراسم دولتی، آماده کردن پلاکاردها و نوشتن شعارهایی در مناسبت با این روز بر در و دیوارها، تقسیم کار لازم برای امر خبررسانی از برنامه های اول مه و گزارش آن به رسانه های خبری و سایت ها و به ویژه به تلویزیون کانال جدید، تهیه دعوتنامه و دادن آن به مردم برای شرکت وسیع در اجتماعات اول مه همه و همه از جمله اقداماتی است که در دستور کار رهبران و فعالین کارگری و بویژه کمیته های اول مه قرار دارد.

می بینید که کارهای بسیاریست که باید در این فاصله کوتاه صورت گیرد و همانطور که بالاتر تاکید کردم باید با تمام قوا به تدارک اول مه با شکوه برویم. طبعاً نقش فعالین کمونیست و اعضای حزب در سازماندهی اول مه بسیار مهم است. در واقع خطاب اصلی صبحت من در این نوشته به این دسته از کارگران و فعالین حزبی است و انتظار میرود که با تشخیص شرایط خطیر امروز و با چنین تصویری به استقبال اول مه بروند. انتظار میرود که ما را بطور هر روزه در جریان پیشرفت کارها و اتفاقاتی که میگذرد قرار دهند و گزارش چگونگی برگزاری مراسم در روز اول مه را به ما و بویژه به برنامه های ویژه ای که به این مناسبت در تلویزیون کانال جدید خواهیم داشت گزارش کنند. زنده باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران. \*

# ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

بخش آخر

## ناسیونالیسم و مساله ملی

منصور حکمت

این مطلب بخش آخر مقاله درخشان منصور حکمت در باره مسئله ملی تحت عنوان "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری" است که برای اولین بار از بهمن ۱۳۷۲ تا آذر ۱۳۷۳، فوریه تا نوامبر ۱۹۹۴، در شماره های ۱۱ تا ۱۶ انترناسیونال منتشر شده. این مقاله همچنین در جلد ۸ مجموعه آثار منصور حکمت منتشر شده است. سردبیر

مساله ملی، بعنوان يك تقابل اجتماعی بر مبنای هویت‌های ملی که چنان اوج می‌گیرد که جدایی سیاسی را بعنوان يك راه حل طرح می‌کند، از کجا پیدا میشود؟ نفس وجود هویت‌های ملی مختلف پیدایش يك مساله ملی در جامعه را اجتناب ناپذیر نمی‌کند. مثال‌های همزیستی بی مشکل و کم اصطکاک ملیت‌های مختلف در چهارچوب‌های کشوری واحد بسیار است. وجود ستم و تبعیض ملی هم هنوز معادل بروز مساله ملی در مقیاس اجتماعی نیست. در بسیاری کشورها تبعیضات ملی در عین اینکه يك واقعیت محسوس و رنج آور زندگی ملیت‌های فرودست هستند، با اینحال در متن مناسبات قوام گرفته اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه، برای خود آحاد ملیت فرودست فرعی تر از آن جلوه گر میشوند که يك کشمکش سیاسی حاد را ایجاد کنند. مبارزه برای رفع این تبعیضات در موارد بسیار زیادی به بروز يك مساله ملی برای آن جامعه منجر نمیشود. واقعیت اینست که برای پیدایش مساله ملی باید ناسیونالیسم بعنوان يك ایدئولوژی و حرکت اجتماعی پا به وسط صحنه گذاشته باشد. تفاوت های ملی و قومی و نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بر حسب تعلقات ملی، و اقلیتی هستند که در دست جنبش‌های اجتماعی مختلف به سرانجام‌های مختلفی میرسند. لیبرالیسم و کمونیسم و سوسیال دموکراسی و ناسیونالیسم با این واقعیات و پتانسیلها یکسان رفتار نمی‌کنند. ناسیونالیسم آن جریانی است که میخواهد به این شکافها و تفاوتها تبلور سیاسی ببخشد. ناسیونالیسم آن جریانی است که این تفاوت‌های بالفعل و بالقوه را مستقیماً به مساله قدرت سیاسی و ایدئولوژی حاکمیت ربط میدهد.

قبلاً گفتیم که ناسیونالیسم محصول خودپرستانه ملت‌ها نیست. برعکس، ملت‌ها و خودپرستی و تعصبات ملی شان محصول ناسیونالیسم اند. ناسیونالیسم، مستقل از اینکه در چه دوره ای و بر متن کدام روندهای پایه ای در قلمرو اقتصادی سیاسی پا به میدان می‌گذارد، يك ایدئولوژی بورژوایی برای سازماندهی قدرت طبقاتی است. ایدئولوژی ای است که تلاش میکند حکومت طبقاتی بورژوا را به نحوی سازمان بدهد که محصول و تجسم سیاسی خاصیت و مشخصات ذاتی مشترکی میان اتباع آن جلوه گر شود. هویت ملی سنگ بنای استراتژی ناسیونالیسم در سازماندهی دولت طبقاتی بورژوایی است. دولت طبقه حاکمه، تجسم خارجی ذات و هویت ملی مشترک و ماوراء طبقاتی اتباعش قلمداد میشود، حال آنکه به طور واقعی این هویت ملی اتباع جامعه است که تجسم درونی و انعکاس ایدئولوژی ناسیونالیستی قدرت در اذهان آنها است. این نیازهای سازمانیابی قدرت طبقاتی بورژوایی است که برای ناسیونالیسم اختراع مقوله ملت و هویت ملی را ایجاد میکند.

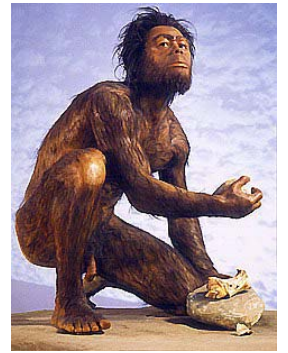
مساله دولت و قدرت سیاسی و رابطه آن با ملت و هویت ملی، مساله محوری ناسیونالیسم است. سهم ناسیونالیسم در خلق مساله ملی، کشیدن اصطکاکها و تفاوت‌های ملی از قلمرو اقتصادی یا فرهنگی به قلمرو سیاست و مساله قدرت است. مادام که تفاوت‌ها، نابرابریها، کشمکشها و تنشهای ملی و قومی صریحاً به مساله دولت و حاکمیت ربط پیدا نکرده اند، هنوز مساله ملی به معنی محض کلمه بروز نکرده است. کار ناسیونالیسم اینست که این گذار به قلمرو سیاست و قدرت دولتی را تضمین کند.

طبقه کارگر در قبال بن بست و بحرانی است که ناسیونالیسم و بورژوازی بسار آورده اند. به این اعتبار وارد شدن بحث حق جدایی به برنامه کمونیستی به معنی برسمیت شناسی قدرت مخرب ناسیونالیسم در دنیای بورژوایی است. برسمیت شناسی حق جدایی، سلاحی در مبارزه علیه ناسیونالیسم است. و این آن جنبه ای از درک مارکسیستی در قبال مساله ملی است که بطور ویژه مدیون لنین هستیم. يك «کمونیسم پراتیک» (که امحاء تبعیضات و هویت های کاذب ملی تنها شعار بر پرچم و آرزویی در دلش نیست، بلکه وظیفه ای است که عملاً در برابر خود قرار داده است. کمونیسم پراتیکی که میخواهد اصول خویش را در جهان واقعی و در برابر نیروی عظیم جریانات بورژوایی به اجرا در بیاورد. برسمیت شناسی حق جدایی ملل تحت ستم بعنوان راه حل مساله ملی، روشی برای خلع سلاح ناسیونالیسم و بورژوازی و راه باز کردن برای خلاصی توده مردم کارگر و زحمتکش از تاثیرات مخرب ناسیونالیسم بر ذهنیت و زندگی شان است. این بحث در عین حال به این معناست که برسمیت شناسی حق جدایی زمانی موضوعیت پیدا میکند که جریانات ناسیونالیستی پیشروی قابل ملاحظه ای کرده باشند و خرافات خویش را به نیروی مادی در جامعه تبدیل کرده باشند. بخصوص اینکه کار را به قلمرو کشمکش فعال در عرصه سیاسی کشانده باشند. وجود ناسیونالیسمی که هنوز در قلمرو فرهنگ و ابراز وجود فرهنگی مانده است، ناسیونالیسمی که هنوز در میان ملت مربوطه، چه بالادست و چه فرودست، يك جریان حاشیه و يك گروه فشار کوچک است، پریزن به بحث حق جدایی را موجه نمیکند.

برسمیت شناسی حق جدایی درمان دردی است که عملاً عارض شده باشد، واکسنی برای پیشگیری از مساله ملی نیست. يك وجه دیگر این بحث این است که مسائل ملی موجود ممکن است در سیر تاریخی از دور خارج شوند و مسائل جدیدی به جلوی صحنه بیایند. شکاف ملی ای که امروز به يك معضل سیاسی و اجتماعی محوری بدل نشده، میتواند در ظرف چند سال به همت ناسیونالیسم چنین شود. تشخیص کنکرت مساله در هر مورد، شرط لازم اصلیت کمونیستی در قبال مساله ملی است. فرمولبندی ما مبنی بر مرتبط کردن بحث حق جدایی به وجود مساله ملی به معنی سیاسی کلمه، کمک میکند بتوانیم بر وظایف ضد ناسیونالیستی کمونیسم قبل از بروز مساله ملی تاکید بیشتری بگذاریم. مبارزه فعال با ستم و تبعیض ملی، فراخوان به يك مبارزه سراسری برای يك جامعه برابر و بی تبعیض، افشای ناسیونالیسم و منافع و محتوای بورژوایی آن در هر دو سوی کشمکش‌های ملی، تبلیغ هویت طبقاتی مشترک کارگران و هویت انسانی مشترک همه مردم و نقد نگرش تعصب آمیز ناسیونالیستی، اینها وظایف اصلی و حیاتی کمونیسم علیه تحرك ناسیونالیستی و افق ملی است. فرمولبندی برنامه ای ما با قرار دادن بحث "حق ملل" در چهارچوب معین و دامنه شمول محدود و واقعی آن، جنبش کمونیستی را آنطور که باید در تخاصم آشتی ناپذیر با ناسیونالیسم تعریف میکند و در اکثریت عظیم موارد به تعرض علیه آن فرا می‌خواند، بدون آنکه ما را از ابزارهای سیاسی واقعی برای دخالت واقعی در بحرانیهای ملی در جامعه محروم کند.\*

از صفحه ۱ داستان آفرینش را در مدارس ...

آنها بی ارزش کند. عبارتی دیگر آقای اسقف نگران هستند (کاملاً هم نگرانی ایشان به جاست!!) که بچه های مدرسه ای داستان عجیب و غریب آفرینش زمین و آسمانها و آدم و حوا را در کنار تئوری تکامل داروین قرار دهند و به حساب دو دو تا چهار تا نتیجه بگیرند که داستان آفرینش هیچ پایه علمی و منطقی ای ندارد و خدای بی ارزشی را که در مقابل کسی مانند داروین تاب تحمل ندارد به راحتی زیر سوال ببرند و به سخره بگیرند. (اتفاقی که هم اکنون دارد می افتد)



بحث داستان خلقت و یا بحث دیگری که به "طراحی خردمندانه" مشهور است و نیز اختلافاتی که بر سر کشیش شدن همجنسگرایان در بین مقامات کلیسا وجود دارد، باعث چند دستگی شدید در صفوف کلیسا و رهبران مذهبی مسیحی در سراسر جهان شده و گفته می شود امکان دارد باعث انشقاق در کلیسا شود. "طراحی خردمندانه"، تئوری جدیدی است که عده ای در جواب به تناقضات مذهب در مقابل علم آنها ارائه داده اند. طبق این تئوری، خلقت چنان پیچیده و جالب است که حتماً یک نیروی ماورای طبیعی و خردمند در آن دست داشته است. هواداران این بحث معتقدند که هم داستان خلقت نادرست است و هم تئوری تکامل و طبیعت گرائی. چرا

و یا ایران نصف دروس مدارس به مذهب اختصاص داشت و هر روز مدرسه با آیاتی از انجیل شروع میشد و یک کشیش برای بچه ها موعظه می کرد، آنوقت ایشان هم مشکلی نداشتند و خوشحال هم می شدند. اما زورشان به اینکار نمی رسید و در عین حال هم تدریس داستان آفرینش در کنار تئوری داروین و بعنوان فقط یکی از تئوریهای زیاد به نفع ایشان و کلیسا نیست و نتیجه عکس برایشان دارد. با بیرون کشیدن مذهب از لیست دروس مدرسه ای و بردن آن به درون کلیسا حداقل می توان آنها بعنوان یک مسئله عرفانی و درونی تا حدودی حفظ کرد. چیزی که انسان به تنگ آمده و مستاصل برای فرار از مشکلات دنیا به عنوان افیون می تواند گاه گاهی به آن پناه ببرد. اسقف اعظم به درستی تشخیص داده است که مذهب و تئوریهای ارتجاعی آن در دنیای قرن بیست و یک و در برابر علم تاب تحمل ندارد و حتی نمی شود آنها را به خورد بچه مدرسه ای ها داد.

مذهب محصول دوران جهالت بشر است. اکنون در دنیای پیشرفته امروزی تنها به یمن جنبشهای سیاسی و منافع سیاسی و اقتصادی آنها و با زور و تحمیق می شود مذهب را زنده نگه داشت. تنها با بریدن و کشتن و لت و پار کردن انسانها و تحمیل غیر انسانی ترین شرایط زندگی به آنها است که می توان دم و دستگاه مذهب را سرپا نگه داشت. اظهار نظر اخیر اسقف اعظم انگلستان نشان داد که اگر مذهب را در یک فضای نسبتاً آزاد در مقابل علم قرار دهیم و اجازه انتخاب آزاد به مردم بدهیم، نه تنها کسی آنها را جدی نخواهد گرفت بلکه تبدیل به موضوع جوك و خنده مردم خواهد شد و مانند مورد اخیر دمش را روی کولش گذاشته و به درون کلیساها و مساجد خواهد خزید. \*

کنفرانسی دو روزه و مهم در نقد مذهب

سازمانهای آتئیست و منتقد مذهب در آلمان فراخوان یک کنفرانس دو روزه در نقد مذهب و راههای مقابله با رشد مذهب را داده اند. شش سخنران سرشناس و از جمله مینا احدی در این کنفرانس، حضور خواهند داشت. به دعوت روزنامه "هینتر گروند" و مرکز علوم اجتماعی و بررسی های انتقادی، یک کنفرانس دو روزه در شهر اوزنا بروک آلمان برگزار میشود.

در این کنفرانس از چهره های سرشناس منتقد مذهب و فعالین سازمانهای ضد مذهبی و آتئیست دعوت شده است که در یک برنامه فشرده دو روزه در مورد رشد مذهب و علل آن، رابطه رشد جریانات مذهبی و اسلام سیاسی با بحران اقتصادی سرمایه داری و همچنین راههای مقابله با مذهب و مذهب زدایی در جامعه بحث

محل کنفرانس:

Johannes str 66  
ساعت ۶ بعد از ظهر  
روز جمعه ۲۱ اپریل

تلفن تماس با برگزار کنندگان  
۰۰۴۹۵۴۱۴۴۴۲۲۹

کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۲۰۰۶ آوریل

از صفحه ۲ لحظات سر نوشت ساز سیاسی

خوزستان و کردستان پیدا میکنند. اگر قوم پرستان کرد و ترک خواب قدرت گرفتن روی جنازه های کودکان در ارومیه و ماکو و خوی و سلماس را میبینند، مردم سنج با فستیوال آدم برفی با شکوهشان، انسانی ترین پیام برای رهایی و سعادت و خوشبختی همه کودکان را اعلام میکنند. اگر قوم پرستان آریایی، به "زبان فقهی" جهاد برای تمامیت ارضی را "واجب عینسی" اعلام میکنند، مردم ایران، به زبان آدمیزاد

اعلام میکنند که برای ما مرز مقدس نیست. انسان مقدس است. اگر باندهای قوم پرست میخواهند با تقسیم مردم به کرد و ترک و فارس و عرب و بلوچ بساط قدرت در این گوشه و آن گوشه را پهن کنند، مردم ایران میخواهند با بزیر کشیدن حکومت اسلامی، قدرت خود را به عنوان شهروندان آزاد جامعه اعلام کنند و با تلاش دسته جمعی و در کنار همدیگر یک زندگی امن و انسانی سازمان دهند. \*

کمک مالی به حزب

اقبال از وینی پگ ۱۶۰ دلار کانادا

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب: markazi@ukonline.co.uk

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

قابل توجه نویسندگان انترناسیونال

آخرین زمان دریافت مطلب: چهارشنبه ۵ بعد از ظهر بوقت تورنتو

حجم مطلب: ۱ صفحه و نیم ۴، فونت ۱۴، فاصله نرمال (word)

مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهنه نشدن موضوع در شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

## روز سیزده بدر، روز طبیعت

امید رهایی از ایران

طرف دیگر بشریت متمدن برای حفظ آن دست بکار میشود و میخواید آنرا از نابودی نجاتش دهد. دولتهای سرمایه داری که سیاست گذار اصلی برنامه های اجتماعی و اقتصادی جوامع هستند، به حفظ آن توجه نمیکنند و سازمانهای غیر دولتی، با هزینه مردم زحمتکش و آزادیخواه و از جیب آنان برای حفظ طبیعت و شرایط زیست محیطی زمین تلاش میکنند. و این یعنی عملکردی متناقض در این جهان وارونه. متناقض از این جهت که انسان و تفکر انسانی میخواید طبیعت را حفظ کند ولی در مقابل سیستم سرمایه و سرمایه داری بنا به اصل اولویت کسب سود و سود آوری از طبیعت و با کار بشری کمر به نابودی اش مینندد و در صورت ادامه چنین وضعیتی و با توجه به مسلط بودن این سیستم بر جوامع، نابودی شرایط زیست محیطی بشر، دور از انتظار نیست.

انسان امروزی مثل خیلی از معضلات موجود در جهان، مانند جنگ، بیکاری، فقر و فلاکت، استثمار و نابرابری و تبعیض، اعتیاد و تن فروشی، برای نجات محیط زیست خود نیز نیاز به برانداختن دولتهای سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم دارد. نظامی که با وجود پیشرفتهای عظیم تکنولوژیکی امروز بشر، قادر است تولید را برای رفع نیازهای همه انسانها سازمان دهد و در تولید به اهمیت حفظ محیط زیست توجه کند. این امکانپذیر است. میتوان یک عالم خوشبختی برای میلیونها انسان به ارمغان آورد اگر ما در قدرت باشیم. میتوان یک دنیای بهتری ساخت که در آن همه انسانها مثل انسان زندگی کنند بدون اینکه طبیعت آسیبی ببیند. این نیز امکان پذیر است اگر دنیا در دست ما کمونیستهای کارگری باشد.

به موارد گفته شده بالا، موارد مهمی که جهان امروز در شرایط متفاوت دنیای یک قطبی بعد از دوران جنگ سرد مواجه است مثل جنگهای منطقه ای و بویژه امروز جنگی که تروریسم دولتی آمریکا و

روز سیزده فروردین را در ایران روز طبیعت نامگذاری کرده اند. نمیدانم در کشورهای مختلف جهان چنین روزی در تقویمشان هست یا نه؟ و اگر هست چه روزی است؟ قطعا طبیعت برای انسان که خود بخش مهمی از آنست، مهم بوده و به همین دلیل است که غیر از انتخاب روزی به این نام در تقویم کشور ما و یا سایر کشورها، فعالیت های زیادی هم در جهت حفظ آن و بویژه در سالهای اخیر از طرف سازمانهای غیر دولتی حفظ محیط زیست انجام میگردد. صرفنظر از اینکه ما مردم ایران در اینروز در دامن طبیعت و عموما در خارج از شهرها و روستاها به تفریح و شادی میپردازیم، توجه به اهمیت حفظ طبیعت برای انسان و هر انسانی که خواهان ساختن دنیایی شایسته زندگی انسان است، حیاتی میباشد. آمارها نشان میدهد که در طی ۲۰۰ سال گذشته شرایط زیست محیطی کره زمین به اندازه کل تاریخ گذشته بشر مورد تخریب قرار گرفته است. این ۲۰۰ سال سالهایی است که سرمایه داری به عنوان نظام اقتصادی - اجتماعی مسلط بر جوامع بشری پیشرفتهای زیادی را بخود دیده و به آن بالیده است. در طی این ۲۰۰ سال، میلیونها هکتار از جنگل های آسیا و افریقا و آمریکای جنوبی و سایر قاره ها از بین رفته اند، دریاها و اقیانوسها در سطح گسترده ای آلوده شده اند، انواع مختلفی از موجودات زنده منقرض شده اند، در اثر بی توجهی سرمایه داران صاحبان صنایع به وضعیت زیست محیطی، گازهای گلخانه ای ناشی از عملکرد کارخانجات به لایه اوزون آسیب جدی وارد کرده اند و هزاران بالای دیگر سر این کره خاکی که تنها مامن بشر امروزی میباشد، آمده است. و دلیل آن صد البته اینست که هدف از تولید در این نظام ضد بشری سرمایه داری، سودآوری سرمایه و نداشت هر چه بیشتر آن بوده است و بس.

از طرفی و در نتیجه عملکرد این نظام، طبیعت که مهمترین و پایه ای ترین نیاز بشر برای بقا و ادامه حیاتش است، نابود میشود و در

## جدال بر سر نامگذاری سال نو "شوخی سال" کیوان جاوید



کرده است تا مانع از شادی و خوشی مردم شود. ایشان در جدال با سگ، سال جدید را سال "پیامبر عظیم الشان اسلام" نام نهادند. (مراجعه به عکس خالی از فایده نیست)

اگر قرار است انتخابی باشد، من بین این دو نام گذاری طرف سگ را می گیرم. می شود با نگاهی به خدمات سگ به انسان نشان داد که سگ شایسته چنین احترامی است و در مقابل می شود با مراجعه به تاریخ اسلام، از گذشته تا امروز و خصوصا با مشاهده تاریخ بیست و هفت سال حاکمیت اسلام بر زندگی مردم ایران چنین حکم داد که نه محمد و نه هیچ شخصیت اسلامی و مذهبی نمی توانند و نباید نمادی از زندگی مردم باشند.

شاید بهتر باشد یک بار هم شده پای رفاندم برویم و از مردم ایران رای بگیریم تا خود انتخاب کنند: سال سگ یا محمد! اما پیش از رای گیری مردم حق دارند در ابعاد وسیع

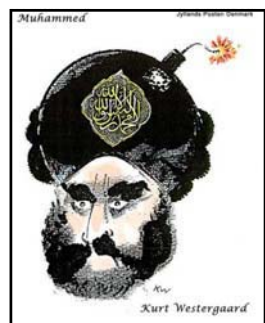
بنا بر یک سنت قدیمی در مشرق زمین و خصوصا در چین، هر سال با نمادی از یک حیوان مشخص می شود. مردم ایران نیز کم و بیش با این رسم قدیمی آشنا اند. امسال، اما، به روال معمول سال نو طبق



سنت چینی و شرقی، سال سگ نام گذاری شده است. (تصویر ضمیمه است تا جایی برای انکار باقی نگذارد.)

در تاریخ زندگی بشر آمده است که انسان برای تنازع بقا و برای به کنترل در آوردن طبیعت از جمله اقدام به اهلی کردن حیوانات کرده و سگ یکی از اولیه ترین حیواناتی است که اهلی شد و به خدمت انسان در آمد. در این دوره زمانه اما سگ بیشتر نقش مهمان مهربان را بازی می کند. باز هم به عکس ضمیمه مراجعه کنید!

خامنه ای نیز طبق روال معمول می خواهد نشان بدهد اسلام سنت متفاوتی را نمایندگی می کند و با هر چه که در مقابل سنت اسلامی قرار بگیرد سر جنگ دارد. عید امسال را به اربعین حسینی وصل



پوستهای این دو موجود را همراه با کارنامه ای از عملکردشان به معرض دید و قضاوت جامعه بگذارند. حتی صرفا از نقطه نظر زیبایی شناسی، فکرمی کنید برنده این مسابقه باید کدام یک باشد؟ \*

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## فرانسه آینده اروپا را ترسیم میکند!

تغییر وضع موجود و ساختن احزاب قدرتمند کمونیستی کارگری، که آلترناتیو سیاسی سوسیالیسم را در مقابل کل جامعه قرار میدهند، در دستور قرار گیرد. کمونیسم کارگری از این تحولات، که پیشتر با روشن بینی توسط منصور حکمت پیش بینی شده بود، استقبال میکند و با تمام قوا به پیشواز آن میرود. طبقه کارگر ایران و حزبش در این جدال کنار کارگران در فرانسه است و تقویت همبستگی جهانی کارگری و منافع بین المللی کارگران را امر همه آزادیخواهان و سوسیالیستها میدانند.

**زنده باد مبارزات قدرتمند کارگران در فرانسه!**

**زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!**

**تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران**

۵ آوریل ۲۰۰۶

اروپا را در مواجهه با بورژوازی. این تحرك نوین کارگری در اروپا درعین حال مهر پایان قطعی بر تئوریهای جنگ سردی و ضد کارگری و کمونیستی و شروع فصل نویسی از جدال کلاسیک طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی برسر آینده جامعه است. اعتراضات و اعتصابات اخیر در فرانسه دمکراسی لیبرالی را همانطور که هست اجتماعا توسط کارگران نقد میکنند و زمینه را برای شکلگیری نقد سوسیالیستی کارگری وضع موجود فراهم میکنند. باید به استقبال این جدلهای سرنوشت ساز رفت و برای رفع موانع سیاسی پیشروی کارگران تلاش کرد. امروز بیش از هر زمان محبوسیت مارکس و مانیفست کمونیست میتواند با اعتراض وسیع و توده ای کارگری در اروپا چفت شود و افق

در همین دو ماه گذشته در فرانسه و انگلستان و یا سالهای قبل در آلمان و ایتالیا و هلند و اسپانیا شاهد بودیم. اعتراضات قدرتمند دو ماهه اخیر شیراک را وادار کرده که به اصلاح این قانون ضد کارگری پیش از اجرای آن رضایت دهد اما کارگران میگویند این قانون باید کنار گذاشته شود. صفتی طبقاتی در فرانسه و پیروزی کارگران در این جدال به خود فرانسه محدود نخواهد شد بلکه مسیر را در بقیه اروپا ترسیم خواهد کرد. فرانسه، شاید به دلایل نقش تاریخی اش، امروز نیز پیشقراول اروپا است. پیروزی بورژوازی فرانسه در فتح این سنگر راه را برای تعرض بورژوازی در بقیه اروپا هموار میکند و پیروزی کارگران فرانسه مسیر طبقه کارگر

و در بهترین حالت عقب نشینی های اساسی را در قلمرو قانونی و حقوقی و معیشتی به کارگران تحمیل کند. آنچه بورژوازی فرانسه برای آن دورخیز کرده است کمابیش همان است که در آلمان زیر نام "منشور ۲۰۱۰" برای افزایش ساعت کار، محدود کردن قوانین مربوط به بیمه بیکاری، کاهش خدمات اجتماعی از جمله بیمه های درمانی و بیمه بازنشستگی و یا در ایتالیا با عنوان کاهش مستمری ها و تغییر قانون بازنشستگی و یا در انگلستان با هدف افزایش سن بازنشستگی جریان دارد. بورژوازی در اروپا سیاست سفت کردن کمربندها را بیش از هر زمان میخواهد به طبقه کارگر تحمیل کند و کارگران در مقابل ناگزیرند به اعتراضات وسیع و میلیونی رو بیاورند که موارد آن را

فرانسه کماکان صحنه اعتراض و تظاهرات و اعتصاب گسترده و توده ای است. سه شنبه ۴ آوریل، بنا به آمار اعلام شده اتحادیه های کارگری فرانسه، بیش از سه میلیون نفر در اعتصاب و تظاهرات علیه قوانین جدید کار و استخدام در فرانسه شرکت کردند. این تحرك پرشور کارگران و مردم فرانسه ادامه اعتصاب پرشکوه و میلیونی ۲۸ مارس و اعتراضات مستمر در روزهای هفته پیش بود.

قانون جدید "فرصتهای برابر شغلی" و بخش مربوط به شرایط استخدام افراد زیر ۲۶ سال، که دست کارفرما را در اخراج در دو سال اول باز گذاشته است، تهاجم سرمایه داری فرانسه به طبقه کارگر و تلاشی برای تبدیل تدریجی نیروی کار فرانسه به کارگران قراردادی و موقت با کمترین ایمنی و حمایت قانونی است. این قانون نهایتا قرار است طبقه کارگر فرانسه را زمینگیر کند

## با پایان تعطیلات نوروز تجمعات اعتراضی کارگران از سر گرفته شد

اطلاعیه شماره ۱۳۵

بدنبال پایان تعطیلات نوروزی، امروز ۱۶ فروردین تعدادی از کارگران شرکت واحد در مقابل دفتر مرکزی شرکت واحد تجمع کردند و خواسته های خود از جمله آزادی فوری دستگیرشدگان، منصور اسانلو و منصور حیات غیبی، و بازگشت به کار کارگران اخراجی را پیگیری کردند. در این تجمع کارگران مطلع شدند که جدا از لیست ۴۶ نفره اخراجی قبلی، لیست ۱۱۶ نفر دیگر از کارگران بعنوان پایان خدمت و اخراج از کار اعلام شده است. کارگران تصمیم گرفتند که روز ۲۳ فروردین ساعت هشت و نیم صبح در

اعتراض به این موضوع و برای پیگیری خواسته های دیگرشان، در مقابل دفتر مرکزی شرکت واحد اجتماع کنند. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت همه جانبه از این اعتراضات، کلیه کارگران شرکت واحد و خانواده های آنها را فرامیخواند که در این اجتماعات متحد و یکپارچه شرکت کنند و رفقای زندانی و هزار رفیق اخراجی خود را تنها نگذارند. اعتراضات متحد ما میتواند جمهوری اسلامی را به عقب براند. کارگران واحد باید به خواسته های خود برسند. حزب کمونیست کارگری کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر کشور را

فرامیخواند به هر شکل که میتوانند از کارگران واحد و خواسته های بحق آنها حمایت کنند. با ایجاد صندوق های همبستگی، با شرکت در تجمعات آنها، و با بلند کردن پرچم دفاع از کارگران واحد در اول ماه مه همبستگی و حمایت خود را از آنها اعلام کنند و جمهوری اسلامی را برای آزادی کارگران زندانی و بازگشت به کار کارگران اخراجی و برای رسیدگی به سایر خواسته های کارگران واحد تحت فشار قرار دهند.

**مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۶ فروردین ۱۳۸۵ - ۵ آوریل ۲۰۰۶

### تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12  
Center Frequency: 12608 MHz  
Symbol Rate: 19279  
FEC: 2/3  
Polarization: horizontal

**سوسیالیسم  
پا خیز!  
برای  
رفع تبعیض!**

### تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانی به این حسابها واریز کنی و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیری و راهنمایی بخواهی.

شماره حساب ها:

**انگلیس:**

Account nr: 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

**سوئد:**

پست جیرو 3-60 60 639  
صاحب حساب IKK

**آلمان:**

Darush safa  
Konto Nr:894922303  
Kredit Institut  
Post bank Hannover  
BLZ:25010030

**کانادا:**

TD Canada Trust  
A. Mikanik  
transit#1672  
Institution#504  
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانی از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنی، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیری تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.